

بررسی کنش‌های اخلاق‌مدارانه کی خسرو در جنگ با تورانیان

فریبا دانشور^۱، دکتر داریوش کاظمی*^۲، دکتر مریم شایگان^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۹)

چکیده

زمینه: کی خسرو یکی از شاهان برجسته در شاهنامه است که در پس از رسیدن به قدرت، اقدامات مطلوبی برای رشد و تعالی جامعه ایرانی انجام داده است. یکی از چالش‌های او در کشورداری، تعارضات مرزی از سوی تورانیان بوده که مشکلات عدیده‌ای را به همراه داشته است. با این حال، کی خسرو در برخورد با دشمنان اصلی ایرانیان، همواره از منش‌های اخلاقی و انسان‌دوستانه برکنار نبوده و مردم غیرنظامی و اسیران جنگی را مورد نظر قرار داده و حقوق آنان را حتی در میانه جنگ در نظر گرفته است. در پژوهش حاضر، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، سویی‌های اخلاقی این شخصیت در نبرد با تورانیان، بازنمایی و کاویده شده است.

نتیجه‌گیری: کی خسرو در برخورد با تورانیان، همواره حقوق غیرنظامیان و اسیران جنگی، کشاورزان و پیشه‌وران را رعایت کرده است و سربازان او از غارت، انهدام و تجاوز (مصادق‌های ناهنجاری‌های اخلاقی) پرهیز کرده‌اند. او در کمال سکون و به دور از خون‌ریزی‌های معمول، از گناه نظامیان تورانی که تسلیم شده‌اند، درمی‌گذرد و مانع کشتار آنان می‌شود. همچنین، نمود اصلی رویکرد اخلاقی کی خسرو، در مجازات طوس از جانب وی به دلیل تخطی از فرمان‌های شاه مبنی بر رعایت حال مردم مغلوب نمودار شده است.

کلیدواژه‌گان: شاهنامه فردوسی، کی خسرو، اخلاق، جنگ، تورانیان.

سر آغاز

جنگ پدیده‌ای مذموم و همراه با پیامدهای گوناگون جانی، مالی، فرهنگی و ... توصیف شده است. به این اعتبار، امکان برداشتی اخلاقی از این پدیده وجود ندارد. با این حال، کنش‌های سران جنگ^۵ در حین نبرد و پس از آن، می‌تواند همراه با مجموعه‌ای از اخلاقیات^۶ باشد تا از آسیب‌های آن بکاهد. در واقع، با رعایت موازین اخلاقی^۷، امکان جلوگیری از بروز فجایع، بیشتر فراهم می‌شود.

کی خسرو در شاهنامه فردوسی، شاهی اخلاق‌مدار^۸ توصیف شده است. این نام به معنی «خوش‌آوازه و نیک‌نام» (۲) است. او پس از رسیدن به قدرت، گفتمان اخلاقی^۹ خود را در نخستین سخنرانی‌اش بازتاب می‌دهد و اطرافیان خود را به رعایت مؤلفه‌های انسان‌ساز دعوت می‌کند. «داستان کی خسرو در شاهنامه با این وصف آغاز می‌شود که سه جوهر کامل‌کننده سرشت آدمی - هنر، نژاد و گوهر - وقتی به خلق انسان کامل منجر می‌شود که به هدایت خرد آراسته شود و کی خسرو واجد این چهار گوهر است». (۳) او را می‌توان شاه/موبد و به بیان دیگر، راهبر سیاسی و دینی ایرانیان در آن برهه زمانی دانست.

طبق روایت فردوسی در شاهنامه، تورانیان اصلی‌ترین دشمنان ایرانیان بوده‌اند. افراسیاب که شاهی ضداخلاقی و بدمنش معرفی شده است، همواره برای کسب قدرت و ثروت به مرزهای ایران حمله‌ور شده و خسارت‌های مالی و جانی جبران‌ناپذیری به وجود آورده است. پس از روی کار آمدن کی خسرو، او برای سامان دادن به شرایط بحرانی کشور، کنش‌های بسیاری را به انجام رسانید. از جمله اینکه از میزان مالیات‌ها کاست و به آبادانی در سطح کشور پرداخت. «مدت حکمرانی‌اش بر ایران شصت سال است، از پادشاهان آرمانی شاهنامه می‌باشد ... او از امتیازات نژادگی^۱، هنروری^۲ گوهرداری^۳ و خردمندی^۴ برخوردار است». (۱) او پس از بررسی وضعیت کشور به این نتیجه می‌رسد که یکی از مانع‌های اصلی برای بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده، یورش‌های ناپهنگام تورانیان به سرکردگی افراسیاب است. در نتیجه، برای پایان دادن به این وضعیت نامطلوب^۴ وارد جنگ با دشمن دیرینه ایرانیان می‌شود که سال‌ها به طول می‌انجامد.

دکتر داریوش کاظمی و همکاران: بررسی و تحلیل کنش‌های اخلاق‌مدارانه کی خسرو در جنگ با تورانیان

در نتیجه، بدیهی می‌نماید که کی خسرو در خلال جریان‌های گوناگون داخلی و خارجی، اقداماتی اخلاق‌مدارانه انجام دهد و رعایت اصول انسان‌دوستانه را در نظر بگیرد. این نگرش، منحصر به گروه «خودی» نیست و «دیگری» را هم در بر می‌گیرد. از جمله در جریان نبرد میان ایرانیان و تورانیان که همراه با خون‌ریزی‌های بسیاری بوده و بخش قابل توجهی از امکانات دو کشور به مدت چندین سال برای پیشبرد آن هزینه شده است.

هدف و مسأله اصلی تحقیق حاضر این است که سوبه‌های اخلاقی در گفتمان کی خسرو در جریان نبرد با تورانیان بررسی و کاویده شود. سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. کی خسرو برای حمله به توران، تحقق چه اهدافی را در نظر داشته است؟ ۲. واکنش‌های شاه ایران شهر در قبال غیرنظامیان بر چه محورهایی استوار بوده است و چه مصداق‌هایی را می‌توان برای کنش‌های اخلاقی او در نظر گرفت؟

کنش‌های اخلاقی کی خسرو پیش از آغاز جنگ

زمانی که کی خسرو بر سریر قدرت تکیه می‌زند، تورانیان را دشمن اصلی خود می‌داند و باور دارد که گفتمان طرف مقابل، اهریمنی و مبتنی بر مجموعه‌ای از ناهنجاری‌های ضد اخلاقی است. در نتیجه، برای برانداختن قدرت سیاسی در این کشور تلاش می‌کند. اگرچه یکی از انگیزه‌های کی خسرو از لشکرکشی به توران، کین‌خواهی از خود پدرش، سیاوش، بوده است، ولی شخصیت اخلاق‌گرای شاه ایران شهر نشان می‌دهد که اصلی‌ترین انگیزه وی، شخصی نبوده و بن‌مایه‌های الهی داشته است. «اصل تقابل و کشاکش درونی^{۱۰} کی خسرو در تمام عمر خویش با افراسیاب است ... او به عنوان ایزد فرایده‌آل با افراسیاب - اهریمنی فرایده‌آل - باید این جدال را درنوردد تا آینده‌دنیای تصویرشده در اوستا، پیروزی خیر بر شر باشد». (۴) بر این پایه، ایرانیان، افراسیاب را نماد و نمود اهریمن و شرارت می‌دانستند و بخش مهمی از مشکلات موجود را به او ربط می‌دادند. زمانی که کی خسرو به قدرت می‌رسد، در ابتدا به مجموعه‌ای از بی‌اخلاقی‌های شاه توران می‌پردازد و فهرستی از هنجارگریزی‌های^{۱۱} او را شرح می‌دهد تا مخاطب با ماهیت غیر اخلاقی وی آشنا شود. در واقع، کی خسرو در نخستین تلاش خود قصد دارد شرور بودن افراسیاب را به مخاطبان درباری (سران کشوری و لشکری) ثابت کند و نظر مطلوب آنان را برای مقابله با این جرثومه جلب کند. بنابراین، انگیزه اصلی کی خسرو، براندازی بد اخلاقی و چیره ساختن هنجارهای اخلاق‌بنیاد است. «در میان ایران و توران، مفهوم این جنگ از نظر ایرانیان بر کرسی نشاندن حق است ... [این] جنگ، جنگ دفاعی است». (۵) کی خسرو به جنایت‌های انسانی افراسیاب در حق کودکان و زنان اشاره می‌کند و کشته‌شدن بسیاری از پهلوانان را به دست این فرد یادآور می‌شود. همچنین، در گفتمان شاه جدید، عامل اصلی ویرانی ایران شهر، شاه توران زمین معرفی شده است.

از افراسیاب اندر آمد نخست
دو رخ را به خون دو دیده بشست
گفت آنک او با سیاوش چه کرد
از ایران برآورد یکباره گرد

بسا پهلوانان که بی‌جان شدند
بسی شهر بینی از ایران خراب
چو بشنید ازو شهریار جوان
به دادار دارنده سوگند خورد
به خورشید و شمشیر و گنج و کلاه
که هرگز نیچم سوی مهر اوی

زن و کودک خرد بیجان شدند
تبه گشته از رنج افراسیاب ...
سوی آتش آورد روی و روان
به روز سپید و شب لاژورد
به مهر و به تخت و به دیهیم و گاه
نبینم به خواب اندرون چهر اوی
(۶)

کی خسرو از جمله شاهانی است که به طور همزمان از قدرت سیاسی و دینی برخوردار بوده است. او «نمونه مطلوبی از یک قهرمان کمال‌یافته است که از جانب بزرگان، با لقب پاک‌دین خوانده می‌شود». (۳) این جایگاه به صورت پیش‌فرض، مخاطب را با جایگاه اخلاقی این شاه آشنا می‌کند. در واقع، مخاطب به صورت ضمنی به این نتیجه می‌رسد که کی خسرو در جبهه حق قرار می‌گیرد و گروه مقابل (تورانیان) در جبهه باطل. با این پیش‌انگاره ذهنی، فردوسی روایت می‌کند که شاه ایران - شهر در عالم خلوت و در حالی که مشغول راز و نیاز با خداوند است، به انگیزه‌های اخلاقی خود برای مبارزه با افراسیاب اشاره می‌کند. او شاه توران را فردی بدون پرهیز و گستاخ توصیف می‌کند که خون بسیاری را بر زمین ریخته و باکی از گناه کردن ندارد. او عامل بی‌ثبات شدن مرزهای ایران دانسته شده است. این رویکرد نشان می‌دهد که افراسیاب، عنصری نامطلوب برای جامعه بشری است.

چنین گفت کای دادگر یک خدای
به روز جوانی تو کردی رها
تو دانی که سالار توران سپاه
به ویران و آباد نفرین اوست
به بیداد خون سیاوش بریخت
دل شهریاران پر از بیم اوست
به کین پدر بنده را دست گیر
تو دانی که او را بدی گوهر است
فراوان بمالید رخ بر زمین

جهاندار و روزی‌ده و رهنمای
مرا بی‌سپاه از دم اژدها
نه پرهیز داند نه ترس از گناه
دل بی‌گناهان پر از کین اوست
برین مرز باران آتش بییخت
بلا بر زمین تخت و دیهیم اوست
بخشای بر جان کاوس پیر
همان بدن‌زادست و افسون‌گروست
همی خواند بر کردگار آفرین
(۶)

افراسیاب باعث وحشت‌آفرینی در میان ایرانیان شده و مردم نسبت به اقدامات خصمانه او معترض و نالان هستند. او به واسطه یورش‌ها و چپاول‌های فراوان، عرصه را برای زیست مطلوب^{۱۲} تنگ کرده است. این کنش‌های نامطلوب افراسیاب از زبان کی خسرو برشمرده می‌شود تا حاضران با ماهیت حکومت ضد اخلاقی شاه توران آشنا شوند. در واقع، کی خسرو با آسیب‌شناسی^{۱۳} اخلاق محور مشکلات موجود، افراسیاب را به عنوان اصلی‌ترین مانع معرفی کرده و از اطرافیان خود خواسته است برای برهم‌زدن بساط بی‌اخلاقی‌ها که در شخصیت افراسیاب نمودار شده است، با او همکاری کنند. از دید کی خسرو به این دلیل که جنگ، ماهیتی دینی و اخلاقی دارد، کشته‌شدگان در آن به فرجامی نیکو می‌رسند و حیاتی معنوی را در آن سرای تجربه خواهند کرد. مجموع این توصیفات نشان می‌دهد که قوه متحرک این نبرد، تقابل میان اخلاق و ضد اخلاق بوده است.

همه خستگانند از افراسیاب
نخستین جگرخسته او منم

همه دل پر از خون و دیده پرآب
که پردرد ازوی ست چنان و تنم

که انجام داده از مسیر حقیقت دور شده و حمایت از چنین فردی، عاری از خردورزی است.

سپهد منم، هم سوار نبرد
چرا رای کردی به آوردگاه؟
بجویی برین پند پیوند من
خرامان بیایی به نزدیک شاه
نیاسود خواهد سپاه اندکی
همه پهلوان و همه نامدار
نباید که پند من آیدت یاد
بمان تا بیازند بر کینه دست
رهایی نیابد، خرد را بسج!
که پیران نباید که یابد گزند
(۶)

بدو گفت طوس: ای سرفراز مرد
تو هم نامداری ز توران سپاه
دلت گر پذیرد یکی پند من
تو با نامور پهلوان سپاه
کین کینه تا زنده ماند یکی
تو با خویش و پیوند و چندین سوار
به خیره مده خویشتن را به باد
سزاوار کشتن هر آن کس که هست
کزین کینه مرد گنجهکار هیچ
مرا شاه ایران چنین داد پند

روند مذاکرات در زمان دیگری جریان می‌یابد و در رزم یازدهرخ، کی- خسرو که هنوز به بازگشت پیران‌ویسه امیدوار است، سردار خود، گودرز کشوادگان را برای مذاکره با سردار تورانی گسیل می‌دارد. در جریان این گفتگوها، سردار ایرانی وعده‌های جدیدی را مطرح می‌کند و عهد می‌بندد که تورانیان بابت چپاول‌هایی که انجام داده‌اند، مجازات نشوند. هدف کی خسرو آن است که به پایگاه نظامی و اقتدار جنگی افراسیاب لطمه وارد آورد تا درهم‌شکستن وی ساده‌تر رقم بخورد. وعده‌هایی از این دست، در ایجاد مصونیت و آرامش روانی برای تورانیان اثرگذار بوده و احتمال رسیدن به صلح را افزایش می‌دهد. همه این تلاش‌ها نشان از دغدغه‌مندی شاه ایران-شهر دارد. او به واسطه قدرت تمایزگذاری برجسته‌ای که دارد، دلیل اصلی همه شرارت‌ها را شناسایی کرده و در پی برانداختن آن منبع محوری است. بنابراین، او نیک می‌داند که در بروز بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... در ایران شهر، شخصیت‌هایی چون پیران‌ویسه نقشی ندارند و باید در برخورد با آنها از گفتمان آشتی‌جویانه بهره بگیرد.

همه دشمن جان تاریک توست ...
فراز آوریدی به راه بدی ...
فرستم به نزدیک شاه جهان
بجای مکافات کرده گناه
نگهبان گاه و نکین تو را
مه هزمان برآزند گردن به ماه ...
برآرد درخت وفا بار تو
یکی راه یابی به نزدیک شاه
بر آن سایه مهر او بغنوی
به خورشید تابان برآرد سرا
کزو چیز ناید جز از بهتری
نبینی شب تیره او را به خواب
(۶)

دگر هر چه از گنج نزدیک توست
به بیداد کنز مردمان بستدی
چه اندرخور شهریارست از آن
بیخشم دیگر همه بر سپاه
دگر آنک پور گزین تو را
برادرت هر دو سران سپاه
بدان تا شوم ایمن از کار تو
بهی آنگهی برگزین بر دو راه
خود و دودمان پیش خسرو شوی
کنم با تو پیمان که خسرو تو را
ز مهر دل او تو آگه‌تری
بشویی دل از مهر افراسیاب

اندرزهای اخلاقی کی خسرو به سپاهیان ایران در میانه جنگ

یکی از توصیه‌های اصلی کی خسرو به سپاهیان ایران، عدم تعرض به غیرنظامیان و عدم استفاده از روش‌های افراطی در رفتار با مردم بی‌پناه است. این در حالی است که سنت معمول در دوران گذشته بر این منوال

که از دل همی برکشد باد سرد
ز بس کشتن و غارت و جنگ و جوش
به دل سربسر دوستدار منید
بگردانم این بد از ایرانیان
بکوشید و رسم پلنگ آورید
ز جنگ یلان کوه هامون شود
گنجهکار اوی‌ست و آویخته
بهشت بلندش بود جایگاه
همه بکسره رای فرخ نهید
مکافات این بد نشاید نشست
(۶)

دگر چون نیا شاه آزادمرد
به ایران زن و مرد ازو با خروش
کنون گر همه ویژه یار منید
به کین پدر بست خواهم میان
اگر همگنان رای جنگ آورید
مرا این سخن بیش بیرون شود
هر آن خون که آید به کین ریخته
اگر کشته آید کسی زین سپاه
چه گوید و این را چه پاسخ دهید
بدان اند و بر بد شده پیش‌دست

اگرچه کی خسرو ریشه مشکلات اصلی کشور را در تهاجمات نیروی بیگانه می‌داند و قصد دارد این مشکل را از طریق جنگ از بین ببرد، ولی در این کار از روی شتاب و بی‌تدبیری عمل نمی‌کند. هدف اصلی او برای تن دادن به نبرد، بهتر کردن شرایط و نجات مردم - حتی تورانیان - از چنگال جرثومه فساد و بداخلاقی یعنی افراسیاب است. بنابراین، او هرگز از روی تعصب و کینه‌ورزی رفتار نمی‌کند و نگرشی یک‌سونگر و منفی به سپاهیان دشمن ندارد. برای کی خسرو، هدایت افراد در اولویت قرار دارد. بر این اساس، بعد از رویارویی سپاهیان ایران به رهبری طوس با لشکر توران به رهبری پیران‌ویسه، جنگ در نمی‌گیرد؛ زیرا استراتژی^{۱۴} شاه ایران مبتنی بر صلح‌جویی^{۱۵} و مدارا با حریف است. ابتدا رسول بین دو طرف رد و بدل می‌شود تا گفتمان مورد نظر هر گروه تشریح شود و توافقی احتمالی به دست آید. طوس به پیران - ویسه چنین می‌گوید که در صورت دست‌کشیدن از جنگ با استقبال کی خسرو مواجه خواهد شد و به مقام پهلوانی در دربار ایران نائل می‌شود. در واقع، طوس از این طریق، امنیت جانی این فرد را تضمین می‌کند تا به خوبی نشان داده شود که هدف ایرانیان، نابود کردن توران و مردمان این دیار نیست و آنها صرفاً به دنبال برقراری عدالت و ریشه‌کنی ستم هستند. در واقع، در این جنگ، برخلاف نبردهای دیگر، کمتر نشانه‌ای از انگیزه‌های تلافی‌جویانه دیده می‌شود که این امر را باید برآمده از طرز تفکر اخلاق‌گرایانه^{۱۶} شاه ایران شهر دانست.

بیچید از درد گفتار اوی
فراوان نشان ست بر چهر تو
بنند این در بیم و راه زبان
مکافات یابی به نیکی ز شاه
همان افسر خسروانی دهد
دلش رنجه گردد ز تیمار تو
بزرگان و تیمارکش مهتران
(۶)

دل طوس غمگین شد از کار اوی
چنین داد پاسخ که از مهر تو
سر آزاد کن دور شو زین میان
بر شاه ایران شوی با سپاه
به ایران تو را پهلوانی دهد
چو یاد آیدش خوب‌کردار تو
همین گفت گودرز و گیو و سران

اگرچه تلاش طوس در بار نخست، برای تغییر نظر پیران‌ویسه به نتیجه نمی‌رسد، اما از آنجا که کی خسرو قصد دارد آسیب‌های ناشی از جنگ را به کمترین میزان برساند، طوس به نمایندگی از او دوباره با سردار تورانی وارد مذاکره می‌شود و تضمین‌های سیاسی و جانی لازم را تکرار می‌کند. طوس از گفتمان صلح‌جویانه بهره می‌گیرد و سعی می‌کند بجای کاربست هژمونی سخت و خشن، از موضع برابر با دشمن خود سخن بگوید تا شاید روزه‌ای برای متقاعد کردن وی ایجاد شود. طوس به پیران‌ویسه یادآور می‌شود که افراسیاب به واسطه کارهای ضداخلاقی

بوده است که لشکر غالب مردم گرفتار را از دم تیغ می‌گذرانند و شهرها را به آتش می‌کشیدند و اموال برجای مانده را به یغما می‌بردند. سنت و هنجاری که کی خسرو معرفی می‌کند، کاملاً اخلاق‌بنیاد است و در آن، حق انسانی گروه مغلوب در نظر گرفته شده است. از این بابت، باید رویکرد شاه ایران‌شهر را نوآورانه و خلاف‌آمد فضای فرهنگی رایج دانست. طبیعتاً فردی با ویژگی‌های اخلاقی کی خسرو می‌تواند در بزنگاه‌های حساس و سرنوشت‌ساز، رعایت موازین انسانی را به خاطر بسپارد و بر اجرا و انجام آن تأکید نماید. در واقع، دلیل کی خسرو برای آغاز این نبرد، از بین بردن منبع کج‌اخلاقی‌ها و روی کار آمدن حکومتی اخلاقی‌محور بوده است. بنابراین، باید از همان ابتدا سویه‌های رفتاری این حکومت نزد گروه مقابل آشکار شود. او پس از فتح هند و نواحی اطراف به فرامرز (حاکم جدید) اندرز می‌دهد تا هیچ اقدام غیراخلاقی در برابر کسانی که دست به سلاح نبرده‌اند انجام ندهد و از روی تعصب و کینه‌توزی رفتار نکند. «او آگاه است که می‌تواند مراقب باشد و خود انتخاب کند که با دیگران آن نکند که برای خود نمی‌پسندد. هر چند کینه‌افراسیاب در دل دارد، اما او باید همیشه جویای ارزش‌های انسانی باشد.» (۷) کی خسرو بایسته‌هایی را تعیین می‌کند و چنین می‌پوید که در حکومت جدید باید حقوق مردم رعایت شود و تنگ‌دستان و درویشان محترم شمرده شوند. کیفیت برخورد حاکم با مردم باید بر اساس رادی و خردورزی باشد و کسانی برای حضور در دربار برگزیده باشند که دلسوز و اهل اندیشه باشند. کی خسرو از فرامرز می‌خواهد تا بخشنده باشد و از آزار دیگران پرهیز کند و هرگز آغازکننده‌ی هیچ جنگی نباشد. چهارچوب‌هایی که شاه ایران‌شهر برای فرامرز تعیین می‌کند، نشانه‌هایی از برپایی حکومتی اخلاقی را نوید می‌دهد.

است بالاترین مراتب انوار درونی را مشاهده کند. یکی از این مراتب، طمس (نابود کردن) است.» (۸) در توصیه‌های شاه خودشکوفای و کمال-یافته‌ی ایران‌شهر، هیچ نشانه‌ای از خواهش‌های نفسانی وجود ندارد. گویی او همه‌ی بداخلاقی‌ها را از وجود خود زدوده است. از این‌رو، به رعایت حال کشاورزان و پیشه‌وران تأکید می‌کند. کی خسرو با بینش و درک دقیقی که دارد، به خوبی می‌داند که از بین بردن کشاورز و پیشه‌ور آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی جبران‌ناپذیری به زندگی مردم عادی وارد می‌آورد. از این‌رو، از طوس می‌خواهد در برخورد با این گروه، خویشتندار باشند.

بدیشان چنین گفت بیدار شاه
به پای‌ست با اختر کاپویان
نیاززد باید کسی را به راه
کشاورز گر مردم پیشه‌ور
نباید که تازد برو باد سرد
نباید نمودن به بی‌رنج رنج
که طوس سپهبد به پیش سپاه
به فرمان او بست باید میان
چنین‌ست آیین تخت و کلاه
کسی کو به لشکر نبندد کمر
مکشید جز با کسی هم‌نبرد
که بر کس نماند سرای سپنج
(۶)

اوج رفتارهای دادگرانه و خردورزانه‌ی کی خسرو زمانی بروز و نمود می‌یابد که او طوس را به شدت مجازات می‌کند. «رهبران و مدیران به طور جدی، شدت رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.» (۹) از این‌رو، طوس را مؤاخذه می‌کند. طبق روایت فردوسی، دلیل این رفتار سختگیرانه، بی‌توجهی سردار ایرانی به اندرزه‌های کی-خسرو مبنی بر رعایت حال رعیت و آزار نرساندن به مردم غیرنظامی بوده است. کی خسرو با این حرکت نمادین، پیام اخلاقی مهمی را برای مخاطبان خود - که ایرانیان هستند - صادر می‌کند و آن، رعایت اخلاقیات در هر شرایطی است. در واقع، او به سپاهیان خود یادآور می‌شود که در موضع سیاسی و نظامی برتر باید اصول انسانی را رعایت کرد و بر انجام آن تأکید ورزید. او بنا بر ملاحظاتی از جان طوس درمی‌گذرد و او را روانه‌ی زندان می‌کند.

فریبرز طوس و یلان را بخواند
بخواند آن زمان نامه‌ی شهریار
بیاورد طوس آن گرامی درفش
به نزد فریبرز برد و بگفت
به نزدیک شاه آمد از دشت جنگ
زمین را ببوسید در پیش شاه
به دشنام بگشاد لب شهریار
وزان پس بدو گفت کای بدنشان
نترسی همی از جهاندار پاک؟
بکشتی کسی را که در کارزار
تو را جایگه نیست در شارسنجان
ز پیشش براند و بفرمود بند
ز کار گذشته فراوان براند ...
جهان را درختی نو آمد به یار ...
ابا کوس و پیلان و زرینه‌کفش
که آمد سزا با سزاوار جفت ...
به ره بر نکرد ایچ‌گونه درنگ
نکرد ایچ خسرو بدو در نگاه
بر آن انجمن طوس را کرد خوار
که کم باد نامت ز گردن‌کشان
ز گردان نباید تو را شرم و باک؟ ...
چو تو لشکری خواستی روز کار ...
رزه باید و بند و بیمارستان ...
به بند از دلش بیخ شادی بکند
(۶)

دادگری در حق انیرانی از سوی ایرانیان جلوه‌ی زیبا و انسانی منش مردمان این دیار کهن را نشان می‌دهد. همچنین بیان می‌دارد که ایرانیان تا چه اندازه بر اجرای عدالت پافشاری می‌کردند و در این زمینه میان دوست و دشمن تفاوت‌چندانی قائل نمی‌شدند. «اساساً حقوق

کنون سربسر هندوستان تورااست
هر آن کس که با تو نجویند جنگ
به هر جایگه یار درویش باش
بین نیک تا دوستدار تو کیست
به بخشش بیارای و فردا مگوی
تو را دادم این پادشایی بدار
مشو در جوانی خریدار گنج
ز قنوج تا مرز دستان تورااست
بریشان مکن روز تاریک و تنگ
همه راد با مردم خویش باش
خرمند و انده‌گسار تو کیست
که فردا مگر تنگی آرد به روی
به هر جای خیره مکن کارزار
به بی‌رنج کس هیچ نمماید رنج
(۶)

کی خسرو در نبرد سرنوشت‌ساز با دشمن دیرینه پیروز شده است. اینک سرنوشت شمار زیادی از مردم توران به تصمیمات او گره خورده است. شاه که طبق سنت آن روزگار، صاحب جان و مال و ناموس مغلوبان است، به واسطه‌ی تخلق به صفات دادگر، خردورزی و مردم‌دوستی از آزار مردم دوری می‌گزیند و به طوس یادآور می‌شود که نباید کسی از مردم عادی آزرده‌خاطر شود. در واقع، این خطامشی سیاسی و نظامی در شرایطی از سوی کی خسرو تعیین و تبیین می‌شود که برخورد افراسیاب با مردم عادی ایران‌شهر به گونه‌ای دیگر بوده است. تورانیان تا مدتی قبل با دست‌درازی به مرزهای ایران، اقدامات غیرانسانی بسیاری را رقم رده بودند و اینک، کی خسرو بجای تلافی آن گذشته، سعی می‌کند با اندرزه‌های اخلاقی، چراغ راه آینده را روشن نگاه دارد. «کی خسرو توانسته



ز زرین و از گوهر نابسود
غلامان و اسپان و تیغ و کلاه
(۶)

بجست اندر آن دشت چیزی که بود
سراسر فرستاد نزدیک شاه

نتیجه‌گیری

نبرد میان ایرانیان و تورانیان در شاهنامه از دریچه‌ی شاخصه‌های اخلاقی و انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا کی خسرو پیش از آغاز جنگ و در حین آن، کنش‌هایی را از خود بروز می‌دهد و گفتگویی را بازنمایی می‌کند که در دنیای آن روز، مسبوق به سابقه نبوده است. در نگرش شاه ایران شهر به جنگ، نشانی از کینه‌جویی، انتقام، تحقق انگیزه‌ها و منافع شخصی، کشتار غیرنظامیان و اسیران جنگی، چپاول و ویران کردن شهرها و ... دیده نمی‌شود (۱۳ و ۱۴). او برای برهم‌زدن ساختار سیاسی حکومت وقت توران که بر اساس مجموعه‌ای از بی-اخلاقی‌ها شکل گرفته است، عازم نبردی طولانی و پرهزینه می‌شود. در منظومه فکری کی خسرو، اصلی‌ترین عامل ویرانی ایران شهر و نبود ثبات و سکون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این سرزمین، جنگ-طلبی‌های افراسیاب تورانی است. او با سوءاستفاده از نبود قدرت مرکزی برجسته در ایران شهر، به مرزها یورش آورده و خسارت‌های جانی و مالی بسیاری را ایجاد کرده بود (۱۵). در نتیجه، کی خسرو با شناسایی این عامل که مظهر بی‌اخلاقی‌ها بوده است، جنگی را می‌آغازد تا اخلاق را بر سرزمین‌های توران حکم‌فرما کند (۱۶). او پیش از آنکه جنگ را آغاز کند، سعی می‌کند با سرداران سپاه توران از جمله پیران‌ویسه مذاکره کند و او را از ادامه جنگ منصرف نماید. دغدغه اصلی شاه ایران شهر، ایجاد تفاهم و صلح میان دو ملت بوده است؛ زیرا عامل اصلی این تباهی‌ها را شخصی به نام افراسیاب می‌دانست و کمترین نقش را برای مقامات لشکری و کشوری توران‌زمین قائل بوده است. این رویکرد به خوبی بیان می‌دارد که هدف کی خسرو، کین‌جویی و اقناع خواهش‌های شخصی نبوده است. این رفتار دادگرانه و منطقی، در جریان نبرد، سخت دو طرف ادامه پیدا می‌کند و پس از آنکه ایرانیان موفق به شکست تورانیان می‌شوند، نخستین دستوری که از جانب کی خسرو صادر می‌شود، پرهیز از کشتن غیرنظامی‌ها و رعایت حال درویشان و نیازمندان و نیز، خوش‌رفتاری با اسیران جنگی است (۱۷ و ۱۸). در این راستا، او طوس را به دلیل تخطی از فرمان، از مقامش برکنار و زندانی می‌کند تا قدرت گفتمان اخلاقی در رویکردهای جنگی وی آشکار شود (۱۹).

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

- | | |
|-------------|---------|
| 1. Racial | نژادگی |
| 2. Artistic | هنروری |
| 3. Wisdom | خردمندی |

انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد». (۱۰) بر این پایه، کی خسرو توصیه‌هایی را که جنبه قانون و حکم دارد، برای سرداران سپاه ایران بازگو می‌کند تا از آن تخطی نکنند و زمینه‌های ستمگری در سرزمین‌های تحت حاکمیت کی خسرو ایجاد نشود. او به خوبی می‌داند که در سایه توجهات او به مسائل اخلاقی، زیردستان بر اساس مبانی انسانی رفتار خواهند کرد. «رهبران اخلاق‌مدار می‌توانند مهارت‌ها، تخصص، منابع و انگیزه خود را بای دیگر اعضا در میان بگذارند و خلاقیت را در سازمان‌ها افزایش دهند». (۱۱) بر این پایه، کی خسرو طی صحبت‌هایی گودرز و دیگر شهریان را خطاب قرار می‌دهد و خط مشی‌هایی را برای آنان تعیین می‌کند تا اخلاق را در ساختار سیاسی حاکمیت خود نهادینه کند.

چو رفتی کمر بسته کارزار
نگر دانی ایوان آباد پست
چنان ساز کش کز تو ناید زیان
سپنج است گیتی و بر ما گذر
مکن تیز دل را به آتش سری
نندی به هر کار بر پیل کوس
هشیوار وز یادگیران فرست
بر او چادر مهربانی بیوش
ز یزدان نیکی‌دهش یاد کن
(۶)

به گودرز فرمود پس شه‌ریار
نگر تا نیازی به بیداد دست
کسی کاو به جنگ بندد میان
که نپسندد از ما بدی دادگر
چو لشکر سوی مرز توران بری
نگر تا نجوشی به کردار طوس
جهان‌دیده‌ای سوی پیران فرست
به پند فراوانش بگشای گوش
به هر کار با هر کسی داد کن

کیفیت مطلوب برخورد با اسیران جنگی یکی از سوبه‌های اخلاقی ایرانیان در نبرد با تورانیان مغلوب است. زمانی که افراسیاب از رویارویی با سپاهیان ایرانی می‌گریزد، پیکره لشکر تورانی از هم می‌پاشد و در نهایت، ایرانیان به پیروزی دست پیدا می‌کنند. به محض آنکه این وضعیت قطعیت پیدا می‌کند، کی خسرو طی فرمانی به فرماندهان خود اعلام می‌دارد که از کشتن سربازان تورانی پرهیز کنند. «گویی وی پیامبری است که پس از نجات دادن اسیران از دست افراسیاب و برقرار کردن صلح و آرامش، جایگاه ازلی و صالحان را از خداوند می‌خواهد؛ زیرا او با دیدی متفاوت دنیای پیرامون خود را می‌بیند». (۱۲) او حقوق این اسرا را محترم می‌شمارد و رستم نیز، طبق فرمان شاه دستور پایان نبرد را به سربازان خود ابلاغ می‌کند. پهلوان ایرانی با اشاره به دو کنش «بی‌آزاری» و «خامشی» به خوبی نشان می‌دهد که هدف آنها کشتار افراد بی‌گناه نبوده و صرفاً برای احقاق حقوق انسانی خود مبارزه کرده‌اند. او همه اسیران را نزد شاه می‌فرستد تا تصمیم‌گیری نهایی انجام شود. در واقع، با تصمیم‌هایی ساده‌ای از این دست، جان هزاران انسان حفظ می‌شود و آسیب‌های جنگ به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند. این رفتارها نشان از آن دارد که هدف جنگ باید مبتنی بر بهبود اوضاع باشد، نه وخیم‌تر کردن آن. چنان‌که بسیاری از جنگ‌ها در گذشته و امروز، ویرانگر شده‌اند و هیچ علامتی از رعایت موازین اخلاقی در آن دیده نمی‌شود.

چنین گفت رستم که کشتن بس است
همه جامه رزم بیرون کنیید
بی‌آزاری و خامشی برگزین
که زهر زمان بهره هر کس است ...
همه خوب‌کاری بر افزون کنید ...
که گوید که نفرین به از آفرین؟

most important behavioral characteristics of moral leaders. *Ethics in Science and Technology*; 16(2): 25. (In Persian)

10. Shohani A, Mayeli F. (2019). Ethical considerations of the concepts of justice and freedom in the charter of human rights from the perspective of the school of realism and liberalism. *Ethics in Science and Technology*;13(4): 15. (In Persian)

11. Rajabudari H, Malmir M, Khorramin M. (2022). The relationship between ethical leadership and employee creativity: the moderating role of manager-employee relationship. *Ethics in Science and Technology*; 16(2): 109. (In Persian)

12. Khorasani F, Ghobadi HA. (2015). A phenomenological reading of the story of Kaykhosrow. *Quarterly Journal of Mystical Literature and Mythology*;10(36): 10. (In Persian)

13. Bahmani Motlaq Y. (2014). Ferdowsi's moral and educational thoughts in Shahnameh and its comparison with the moral and educational theories of Khajeh Nasir Tusi and Nasiri ethics. *Journal of Literary Criticism Studies*; 8(31): 14. (In Persian)

14. Zare Hosseini F, Zarvani M, Elmi Gh. (2013). Comparison of the moral teachings of Ferdowsi Shahnameh and Mahabharata. *Journal of Religions and Mysticism*; 45(1): 43. (In Persian)

15. Shakoori B, Ranjbar A. (2020). Comparative study of moral characteristics and behavioral skills of the father's father from the perspective of Ferdowsi and Phenlon. *Journal of Educational Literature*;11(42): 1. (In Persian)

16. Fallah GA, Bramki A. (2015). Educational-ethical themes in the animation of Shahnameh stories. *Journal of Educational Literature*; 6(22): 98. (In Persian)

17. Sheibani P, Jokar N, Jafari M. (2020), Classification of ethical concepts in Ferdowsi Shahnameh. *Ethics in Science and Technology*; 14(0): 37-44. (In Persian)

18. Safarinejad H, Halabi AA. (2020). The place of the philosophy of praise and glorification in the creation of moral and social criticism in the generalities of Saadi and the court of Khajavi Kermani. *Ethics in Science and Technology*; 14(3): 15-21. (In Persian).

19. Rakaei F. (2015). Ethics in Poetry. *Ethics in Science and Technology*; 9(3): 1-10.

4. Unfavorable situation

5. Warlords

6. Ethics

7. Ethical standards

8. Moral oriented

9. Ethical discourse

10. Internal confrontation and conflict

11. Abnormality

12. Optimal biology

13. Pathology

14. Strategy

15. Peacekeeping

16. Ethical thinking

وضعیت نامطلوب

سران جنگ

اخلاقیات

موازین اخلاقی

اخلاق مدار

گفتمان اخلاقی

تقابل و کشاکش درونی

هنجارگریزی

زیست مطلوب

آسیب شناسی

استراتژی

صلح جویی

تفکر اخلاق گرایانه

References

1. Razmjoo H. (2003). The realm of Iranian epic literature. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. Pp. 162-161. (In Persian)

2. Kazazi MJ. (2011). Ancient letter. Tehran: Samt Publication. P. 453. (In Persian)

3. Ghaemi F. (2014). Analysis of kaykhosrow's story in shahnameh based on the method of mythological critique. *Quarterly Journal of Literary Research*; 7(27): 11. (In Persian)

4. Khairabadi A. (2012). Kaykhosrow and Shahnameh. Mashhad: Ferdowsi Foundation. Pp. 115-113. (In Persian)

5. Islami Nodoshan MA. (1992). Namvar letter; excerpt from Ferdowsi's Shahnameh. Tehran: Sokhan Publication. P. 26. (In Persian)

6. Ferdowsi A. (1010). Shahnameh. California: Iran Heritage Foundation and Mazda Publishing. Pp. 7-119. (In Persian)

7. Rezaei-Khosravi F, Parnian M, Rezaei-Khosravi N. (2019). Analysis of kay Khosrow's self-transcendental personality based on Victor Frankl's theory. *Quarterly Journal of Mystical Literature and Mythology*;14(52):192. (In Persian).

8. Pourjavadi N. (2002). Illumination and mysticism. Tehran: Central Tehran University Publication. Pp. 72-71. (In Persian)

9. Musharraf Javadi MH, Nilipour Tabatabai A, Shafiee MT. (2022). Identifying and prioritizing the